

تبیین چرایی و چگونگی شکل‌گیری جنگ روسیه و اوکراین بر پایه نظریه «موازنه تهدید»

علیرضا سمیعی اصفهانی*^۱

سارا فرحمند^۲

چکیده

حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، بزرگترین بسیج نظامی در اروپا از زمان جنگ جهانی دوم به شمار می‌آید. مداخله و افزایش نفوذ غرب (آمریکا، اتحادیه اروپا و بازوی نظامی آن ناتو) در حوزه‌های امنیت روسیه، نگرانی‌های جدی و حیاتی را برای این کشور ایجاد کرده است به نحوی که نظریه‌پردازانی چون استفان والت معتقدند مسیری که دولت‌های غربی دنبال می‌کنند برداشت روسیه از تهدید را تقویت می‌کند، بویژه گسترش ناتو به شرق تحریکی جدی است که سطح اعتماد متقابل را کاهش داده است. از این رو، مسکو تصور می‌کند حوزه نفوذ و حیات خلوت این کشور روز به روز تنگ‌تر می‌شود. با این وصف، پژوهش پیش‌رو می‌کوشد تا با بهره‌گیری از رویکرد نظری «موازنه تهدید» استفان والت بر پایه ۴ شاخصه (۱) قدرت کلی (۲) مجاورت جغرافیایی (۳) قدرت تهاجمی و (۴) نیت تهاجمی، به این پرسش اصلی پاسخ دهد که علل و انگیزه‌های تهاجم روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ چه بوده است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد درک تهدید و خطرات ناشی از تحرکات و اقدامات آمریکا و ناتو در اروپای شرقی و بویژه اوکراین باعث شده است که عزم پوتین برای مقابله با پیشروی ناتو، حالت تهاجمی به خود بگیرد و در نهایت باعث تهاجم روسیه به اوکراین گردد.

واژگان کلیدی: جنگ، اوکراین، روسیه، موازنه تهدید، ایالات متحده آمریکا

۱. دانشیار و عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج (نویسنده مسئول)

* asamiei@yu.ac.ir

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه پیام نور قزوین

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۲۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۶

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دوازدهم، شماره پیاپی چهل و شش، صص ۱۲۸-۱۰۱

مقدمه

بی‌گمان، روابط بین آمریکا و روسیه همواره متأثر از رقابت‌هایی است که در گذشته نیز موضوعیت داشت. بطورکلی در دوران جنگ سرد، نبردی در سه حوزه ایدئولوژیکی، اقتصادی و نظامی میان اتحاد جماهیر شوروی به عنوان پیشاهنگ نظام سوسیالیستی در جهان با آمریکا و دموکراسی‌های غربی شدت گرفت. دو قدرت نظامی بزرگ درگیر یک مبارزه ایدئولوژیک گسترده از طریق براندازی، کمپین‌های تبلیغاتی و جنگ‌های نیابتی در جهان در حال توسعه بودند. از این‌رو کشمکش و رقابت سختی چه از نگاه فلسفی و علمی و چه از لحاظ سیاسی میان دو اردوگاه سوسیالیستی و سرمایه‌داری با اشکال و روش‌های مختلفی بروز کرد که در اثر آن جهان به دو قطب متضاد دسته‌بندی شد. در این مدت هر دو طرف در بهره‌برداری از هیچ فرصتی برای تقویت جایگاه و کمک به نیروهای طرفدار خود، فروگذاری نکردند. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و حزب کمونیست، روسیه به عنوان میراث‌دار آن با شماری از کشورها در منطقه و جهان به‌ویژه در قلمرو محبوبش یعنی منطقه اوراسیا، پیمان‌ها و ائتلاف‌های جدیدی برقرار کرد، اما اکنون روسیه از فضا‌های به وجود آمده در اثر این پیمان‌ها، چندان راضی به نمی‌رسد، بطوری که پوتین فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را یکی از بزرگترین فجایع قرن بیستم توصیف می‌کند که جایگاه واقعی روسیه را در میان قدرت‌های بزرگ جهان ربوده است. از این‌رو، روسیه در گفتمان خود، ایالات متحده آمریکا را کماکان دشمن درجه اول تلقی کرده و منازعه با آن را در اولویت نخست خود قرار داده است. در حال حاضر نیز بسط و گسترش پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به شرق و بحران اوکراین به یکی از کشمکش‌ها و چالش‌های جدی در روابط آمریکا و روسیه تبدیل شده است. چرا که پوتین گسترش ناتو را تهدیدآمیز و چشم‌انداز پیوستن اوکراین به آن را تهدیدی بزرگ می‌خواند. به همین منظور در ۱۷ دسامبر ۲۰۲۱ به آمریکا و ناتو پیشنهاد یک توافق جدید را داد که آن‌ها را از شرق اروپا بیرون کند. پوتین خواستار عدم گسترش بیشتر ناتو، مسدود کردن دائمی پایگاه‌های آن در قلمرو شوروی سابق و خروج تسلیحات هسته‌ای آمریکا از اروپا شد. او همچنین از ناتو خواست تا فعالیت‌های خود را در کشورهای اروپای شرقی و به‌ویژه در کشورهای بالتیک و در لهستان متوقف کند اما عدم توجه به نگرانی‌های مسکو

باعث شد تا سرانجام پوتین بامداد ۵شنبه ۲۴ فوریه با صدور فرمان عملیات نظامی علیه کی‌یف جنگ را آغاز کند. اگرچه مخالفان پوتین، حمله به اوکراین را اشغال قلمرو ارضی یک کشور مستقل و برآیند رویکرد تهاجمی و نوامپریالیستی وی تلقی می‌کنند، با این حال در نگاهی ژرف‌تر، بررسی بحران اوکراین مستلزم تحلیلی بی‌طرفانه از زمینه‌های جهانی و منطقه‌ای است، که باید درک مسکو از تهدیدات علیه منافعش را نیز در برگیرد، عاملی که به نظر می‌رسد تاکنون از سوی بسیاری از دولتمردان و تحلیل‌گران مسایل بین‌المللی نادیده گرفته شده است. با این توصیف پژوهش حاضر می‌کوشد با بهره‌گیری از رویکرد نظری «موازنه تهدید» استفان والت به این پرسش اصلی پاسخ دهد که علل و انگیزه‌های تهاجم روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ چه بوده است؟ در پاسخ، این فرضیه به آزمون گذاشته خواهد شد که به نظر می‌رسد؛ «تهدیدات ادراک شده مسکو از سیاست گسترش‌طلبی سیاسی - نظامی غرب (امریکا و اتحادیه اروپا) یعنی پذیرش کشورهای اروپای شرقی در اتحادیه اروپا و به ویژه در ناتو و همچنین اقدامات دفاعی اتخاذ شده توسط متحدان ناتو (یعنی دفاع موشکی)، روسیه را بر آن داشت تا جهت پاسخگویی به این «معضل امنیتی» و در راستای برقراری موازنه تهدید، وارد جنگ با اوکراین شود».

۱. بنیان نظری پژوهش؛ موازنه تهدید

واقع‌گرایی تدافعی یک نظریه ساختاری است که اصلی‌ترین و مهم‌ترین مفهوم آن اصطلاح «موازنه تهدید»^۱ است. نظریه موازنه تهدید توسط استفان والت، استاد دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۸۷ در کتاب «منشا اتحادها» مطرح شد، والت در این کتاب استدلال می‌کند که ملت‌ها در برابر «تهدیدی» که تصور می‌شود اتحاد برقرار می‌کنند (Walt 1987; 1990). در آن زمان، الگوی غالب برای توضیح رفتار دولت‌ها «موازنه قوا» بود. ایده اصلی موازنه قدرت این بود که دولت‌ها اهداف خود را با قدرت دیگران تعریف می‌کنند. در اصل، کشورها تلاش می‌کنند تا قدرت خود را به گونه‌ای طراحی و تقویت کنند که با قدرت قوی‌ترین دولت، صرف نظر از اینکه آن دولت تهاجمی عمل می‌کند یا نه، مطابقت داشته باشد. بنابراین با حفظ توازن قوا بدین معنا که هیچ کشوری به تنهایی

1. Balance of Threat

2. The Origins of Alliances

قدرتمندتر از سایر کشورها نیست، همگی امنیت متقابل را تضمین می‌کنند. نظریه موازنه قدرت برای مدت طولانی توسط کشورها پذیرفته شد، تا این که در سال ۱۹۸۷، والت با تاکید بر «تهدیدها» و نه صرفاً قابلیت‌های نظامی یا تهاجمی کشورها، نقش عمده‌ای در اصلاح نظریه والتز ایفا نمود (Walt, 1987-1990:25-26). به اعتقاد وی؛ «کشورهایی که به عنوان مهاجم تلقی می‌گردند احتمالاً دیگران را تحریک می‌کنند تا علیه خود موازنه برقرار کنند» (Walt, 1990:25). بدین ترتیب، نظریه «موازنه تهدید» این فرض اصلی نظریه «موازنه قدرت» که معتقد است دولت‌ها تلاش می‌کنند با ایجاد تعادل در برابر قدرت، از شکل‌گیری یک هژمون بالقوه جلوگیری کنند را زیر سؤال می‌برد (Walt, 1989:18-21). نظریه موازنه تهدید، در واقع دلایل اتحاد کشورها را در برابر یک تهدید درک شده را تشریح می‌کند و معتقد است که دولت‌ها در وضعیت آنارشی برای حفاظت از خود تشکیل اتحاد می‌دهند (مکاتر، ۲۰۱۲: ۱) از این رو نقطه محوری مباحث والت را می‌توان بررسی علت اتحادها، ائتلاف‌های نظامی - سیاسی با هدف ایجاد موازنه در واکنش به احساس تهدید دانست. به اعتقاد والت تهدیدآمیزترین دولت‌ها، ضرورتاً قدرتمندترین دولت نیست، بدین ترتیب او با این توصیف، بین قدرت و تهدید تمایز قائل شده (والت، ۱۹۸۷: ۲۲-۲۱) و بر این باور است اساس تشکیل اتحادها در سطح بین‌الملل توازن تهدید است نه توازن قدرت (گودریچ، ۲۰۰۴: ۲-۱).

۱-۱. مولفه‌های چهارگانه ایجادکننده درک تهدید از نگاه استفان والت

اما چه چیزی یک دولت را تهدید می‌کند؟ والت چهار منبع مختلف تهدید اعم از قدرت کلی، توانایی‌های تهاجمی، نزدیکی جغرافیایی و مقاصد تجاوزکارانه را از یکدیگر متمایز می‌کند (Walt, 1990: 21-26).

۱-۱-۱. قدرت کلی: بنا بر نظریه والت، قدرت کلی همان مجموعه منابع کشور که متشکل از (اندازه ارضی، قابلیت‌های اقتصادی، صنعتی و فناوری) است. کشوری که منابع بیشتری داشته باشد ظرفیت آن را خواهد داشت که دشمنان خود را تنبیه کند و به دوستان خود پاداش دهد (Walt, 1987-1990: 22-23, 22). از این منظر کشورهای قدرتمند در اساس برای دیگران تهدید محسوب می‌شوند زیرا هرگز تضمینی در برابر

نحوه استفاده آن‌ها از قدرت‌شان وجود ندارد. هر چه قدرت کل یک کشور بیشتر باشد، تهدید بیشتری می‌تواند برای سایرین ایجاد کند.

۲-۱-۱. **مجاورت جغرافیایی:** مجاورت جغرافیایی به فاصله‌ای اطلاق می‌شود که بین رقبای بالقوه وجود دارد. هرچه این فاصله بیشتر باشد، «توانایی پراکنش قدرت» و تهدید بالقوه محدودتر می‌شود (Walt 1990: 23). بر پایه نظریه موازنه تهدید توانایی دولت‌ها برای اعمال قدرت با افزایش فاصله کاهش می‌یابد. از این‌رو، والت پتانسیل تهدیدزایی را با فاصله جغرافیایی در رابطه معکوس می‌داند، یعنی دولت‌های نزدیکتر قادر به ایجاد تهدیدات بزرگتری هستند. بدین ترتیب مجاورت جغرافیایی نیز همانند عامل قدرت کل، می‌تواند منجر به ایجاد موازنه یا همراهی از سوی دیگر دولت‌ها شود (Walt, 1987: 23) (گرفیتس، ۱۳۸۸).

۳-۱-۱. **قابلیت تهاجمی:** قدرت تهاجمی به اندازه «قابلیت‌های تهاجمی» اشاره دارد (Walt 1990: 24) هرچه قدرت تهاجمی بیشتر باشد، خطری که یک دولت می‌تواند ایجاد کند بیشتر است. قدرت تهاجمی ارتباط نزدیکی با قدرت کل و مجاورت جغرافیایی دارد. یعنی توانایی یک دولت برای تهدید کردن حاکمیت یا تمامیت سرزمینی دولت دیگر با هزینه‌های قابل قبول است. از نظر والت این دولت‌ها تهدیدآمیزتر از دولت‌هایی هستند که قابلیت‌هایشان تدافعی است. به عبارت دیگر بین قدرت تهاجمی و میزان تهدید، ارتباط مستقیمی وجود دارد. یعنی هر اندازه میزان توانایی یک کشور بیشتر باشد میزان نگرانی و تهدید دیگر دولت‌ها نسبت به آن همان اندازه افزایش می‌یابد (کریمی‌فرد، ۱۳۹۴: ۸۶). در صورت ثابت ماندن دیگر متغیرها، دستیابی دولت‌ها به توانایی نظامی ویژه یا توانایی سیاسی خاص، مانند ایدئولوژی دامن‌گستر، آن را تهدیدزاتر و ثبات سیاسی و انسجام سرزمینی دولت‌های قدرتمند دیگر را با مخاطره مواجه می‌کند. در نتیجه، تهدید فوری ناشی از این قابلیت‌های تهاجمی ممکن است انگیزه بسیار قوی به دیگر دولت‌ها برای موازنه علیه دولت تهدیدگر بدهد (Walt, 1987: 24) (لیتل، ۱۳۸۹: ۳۳).

۴-۱-۱. **نیات تهاجمی:** مقاصد تهاجمی به نحوه درک دولت‌ها از یک دشمن بالقوه اشاره دارد (Walt 1990: 25-26) نیات تهاجمی، تمایل یک کشور خاص به واداشتن

کشوری دیگر به واکنش را مشخص می‌سازد. لیکن ممکن است کشوری با قدرت ضعیف‌تر گاهی به عنوان تهدیدکننده اصلی برای یک دولت قلمداد شود (اسماعیلی و سیمبر، ۱۳۹۲: ۱۵). بنا بر نظریه موازنه تهدید اگر دولت‌ها، دولتی را به عنوان یک دولت تهاجمی و ستیزه‌جو در نظر بگیرند احتمال بسیاری وجود دارد که علیه آن دست به موازنه بزنند. منطق حاکم بر این رفتار نیز روشن است، زیرا متقاعد و راضی ساختن دولت توسعه‌طلب مهاجم، دشوار و پرهزینه است و دیگران را به ائتلاف متوازن جهت متوقف کردن آن ناگزیر می‌سازد (کریمی‌فرد، ۱۳۹۵: ۸۷). بنابراین از نظر والت صرف قدرت مهم نیست بلکه سایر عوامل نیز دارای اهمیت هستند. به باور او آنچه در روابط میان دولت‌ها از اهمیت برخوردار است، درک آن‌ها از یکدیگر به عنوان تهدید است و تنها میزان قدرت هر یک از آن‌ها مورد توجه نیست. بنابراین در برابر قدرت تهدیدگر، اغلب سیاست موازنه در پیش گرفته می‌شود که به معنای اتحاد دولت‌ها در مقابل دولتی است که آن را تهدید می‌کند (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۱۳۵) (Walt, 1987: 25).

بنابراین بر پایه نظریه موازنه تهدید، موازنه را می‌توان نوعی «استراتژی دولتی دانست که برای مقابله با تهدید خارجی ادراک شده (نظامی یا غیرنظامی) طراحی شده و هدف آن-ها کاهش تهدید و حفظ امنیت ملی است». هدف از ایجاد موازنه، تضعیف یک دولت یا اتحادی است که به مثابه تهدید تلقی می‌شود. در ادامه سعی خواهد شد با استفاده از شاخص‌های چهارگانه مطرح شده در نظریه موازنه تهدید والت (قدرت کلی، مجاورت جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیت تهاجمی) میزان تهدیدات ادراک شده روسیه از جانب غرب (آمریکا، اروپا و ناتو) را به عنوان دلایل و انگیزه‌های آغاز جنگ روسیه-اوکراین مورد بررسی قرار دهیم.

۲. تحلیل بحران روسیه- اوکراین بر پایه نظریه موازنه تهدید

۲-۱. توصیف روند شکل‌گیری بحران

بی‌گمان یکی از مشکلات امنیتی روسیه پس از فروپاشی شوروی، عضویت کشورهای شرق اروپا و جمهوری‌های جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی از قبیل لهستان، کشورهای بالتیک و بخش شرقی آلمان در ناتو است. از آنجا که این کشورها عمق استراتژیک شوروی محسوب می‌شدند روسیه نیز همواره گسترش ناتو به

شرق را غیر ضروری دانسته و آن را تهدیدی برای امنیت ملی خود می‌داند. در چنین شرایطی تمایل اوکراین برای پیوستن به ناتو که زمانی رقیب ایدئولوژیک و نظامی آن به حساب می‌آمد، حساسیت روسیه را برانگیخته و زنگ‌های خطر را به صدا درآورده است.

در تبیین اهمیت استراتژیک اوکراین برای رهبران روسیه باید عنوان کرد که این کشور به عنوان بزرگترین جمهوری اتحاد جماهیر شوروی پس از روسیه، چالش برانگیزترین کشور برای استراتژی مسکو مبنی بر احیا مجدد اتحاد جماهیر شوروی تحت رهبری کرملین است. عضویت این کشور در اتحادیه اروپا نه تنها تلاش‌های روسیه برای به کنترل درآوردن اوکراین را ناکام خواهد گذاشت بلکه این خطر نیز وجود خواهد داشت که با انجام رفرم‌های مورد نظر اتحادیه اروپا، کی‌یف نقش الگو را برای دیگر کشورهای بخش اروپایی روسیه بازی خواهد کرد و مشروعیت حکومت پوتین را به خطر خواهد انداخت (Menkiszak, 2016: 4). مرشایمر در توضیح رفتار روسیه در اوکراین معتقد است؛ اقدامات روسیه از دیدگاه ژئوپلتیک قابل درک است. سرزمین مسطح اوکراین طی قرون قبلی صحنه تهاجم ناپلئون، امپراتوری آلمان و آلمان نازی به روسیه بوده است. لذا موقعیت اوکراین به عنوان منطقه حایل برای روسیه از اهمیت اساسی برخوردار است (Mearsheimer, 2014:10). از این رو، کرملین اتحادیه اروپا و ناتو را نهادی می‌بیند که نه تنها منافع، بلکه حیات این رژیم را نیز تهدید کرده و به دنبال تغییر سیستم سیاسی روسیه است (Dibb, 2016:7). بر این اساس پوتین در نشست بوداپست و در آوریل ۲۰۰۸ تمامیت ارضی اوکراین را تهدید کرده و اعلام کرد که در صورت پیوستن این کشور به ناتو و استقرار پایگاه‌های این پیمان در خاک اوکراین، روسیه به ناچار و برای حفظ امنیت خود این پایگاه‌ها را هدف‌گیری خواهد کرد (زیباکلام و دیگران: ۱۳۹۴: ۲۸).

گرچه برای بازیگران غربی (ایالات متحده و ناتو) نیز نفوذ بر اوکراین یک ضرورت وجودی قلمداد شده و از مهم‌ترین اولویت‌های سیاست خارجی آن‌ها به شمار می‌رود اما به دلیل نفوذ سنتی روسیه در اوکراین و نیز وجود روس‌تبارها در آن، این بازیگران برای نفوذ در این کشور موفقیت‌ناهایی را در ۲۰ سال گذشته به دست نیآورده‌اند

با این وجود برای تغییر ساختار قدرت در این کشور تلاش زیادی کردند که آخرین نمونه از این مداخلات به تحولات سال ۲۰۱۳ باز می‌گردد که در واقع آوردگاهی برای تقابل روسیه و غرب محسوب می‌شود. چرا که از دسامبر ۲۰۱۳ عرصه سیاسی اوکراین به دلیل عدم امضای مفاد قرارداد تجاری با اتحادیه اروپا توسط ویکتور یانوکویچ^۱ رئیس‌جمهور این کشور با مجادلات و منازعات جدی مواجه گردید، وضعیتی که در آن قدرت سیاسی، سازوکار مناسبی برای مهار ورودی‌های آشوسازان غرب‌گرایان اتخاذ نکرد، تا جایی که عرصه سیاست از روندهای معمولی خارج و تبدیل به یک جنبش غرب‌گرا و ضد روس شد. این جنبش به شدت از سوی غرب مورد حمایت قرار گرفت به طوری که طی چندین مرحله، حضور دیپلمات‌های غربی از جمله کاترین اشتون^۲ و جان مک‌کین^۳ در اردوی معترضان مشاهده شد. دولت‌های غربی با فشار رسانه‌ای به دولت اوکراین، حمایت خود را از این جنبش اعلام کرده و روسیه را متهم به فشار بر دولت یانوکویچ جهت امضای قرارداد اقتصادی کردند. به دنبال این حوادث، پس از برکناری یانوکویچ شبه‌جزیره کریمه از طریق برگزاری همه‌پرسی سراسری با موافقت ۹۶ درصدی ساکنان آن به روسیه ملحق شد. الحاق کریمه نشان داد که اوکراین برای روسیه اهمیت حیاتی دارد و حاضر است به خاطر آن هزینه زیادی پرداخت کند (De Maio, 2016:2) (Mankoff, 2022). بدین ترتیب از سال ۲۰۱۳ به این سو، تحولات اوکراین به یکی از چالش‌های مهم در روابط غرب و روسیه تبدیل گردید و گذشت زمان نه تنها به حل این بحران کمک نکرد بلکه با افزایش تنش و عزم روسیه برای مقابله با پیشروی ناتو، بحران در روابط روسیه و غرب تشدید شد و با به رسمیت شناختن دو استان لوهانسک^۴ و دونتسک^۵ در شرق اوکراین به عنوان دو جمهوری خودمختار و کسب مجوز از پارلمان برای استفاده از نیروی نظامی در خارج از روسیه به سمت جنگ حرکت کرد. در واقع مجموعه قدرت بازیگران مخالف روسیه (آمریکا و ناتو) توان و

^۱. Viktor Yanukovich

^۲ Catherine Ashton

^۳ John McCain

^۴ Luhansk

^۵. Donetsk

نیات تهاجمی و در نهایت مجاورت جغرافیایی منبع تهدید به فدراسیون روسیه باعث شد تا وزن و قدرت تهدید گسترش ناتو به شرق افزایش یافته و تهاجم نظامی و لزوم از بین بردن این تهدید را اجتناب‌ناپذیر کند. بنابراین در ادامه سعی خواهد شد تا با استفاده از چهارشاخص مطرح شده در نظریه موازنه تهدید والت (قدرت کلی، مجاورت جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیات تهاجمی) میزان تهدیدات روسیه از جانب غرب (آمریکا و ناتو) را مورد بررسی قرار دهیم.

۲-۲. روسیه و غرب (آمریکا و اتحادیه اروپا)

۲-۲-۱. قدرت کلی (انباشت قدرت)

با توجه به چهارچوب نظری والت که قدرت کلی را مجموع منابع کشور (جمعیت، منابع طبیعی، قابلیت‌های نظامی، صنعتی و فناوری) می‌داند از این‌رو، در چنین وضعیتی هر اندازه میزان منابع یک دولت بیشتر باشد، آن دولت از پتانسیل بیشتری برای تهدید دیگر دولت‌ها برخوردار است. در حال حاضر بازیگران مختلفی در بحران اوکراین حضور دارند که هر کدام در راستای اهداف و منافع خود به فعالیت می‌پردازد. این بازیگران به دو طیف روسیه و ناتو به سرکردگی آمریکا تقسیم می‌شود که در ادامه به بررسی میزان قدرت و توانایی آن‌ها خواهیم پرداخت.

روسیه با مساحت ۱۷ میلیون کیلومتر مربع، بزرگترین کشور دنیا و با جمعیتی در حدود ۱۴۶ میلیون و ۳۲ هزار نفر نهمین کشور پرجمعیت جهان است. این کشور از منظر سیاسی و اقتصادی یکی از قطب‌های جهان به شمار می‌آید به گونه‌ای که هم‌اکنون جز هشت اقتصاد برتر دنیا محسوب می‌شود. روسیه یکی از پیشرفته‌ترین دولت‌ها در زمینه تجهیزات نظامی بعد از ایالات متحده است و از لحاظ منابع استراتژی نیز در سال ۲۰۱۷ با افزایش تولید نفت خود برای نهمین سال متوالی از عربستان سعودی به عنوان بزرگترین صادرکننده نفت در جهان پیشی گرفته و بزرگترین صادرکننده گاز طبیعی در جهان باقی مانده است. میزان ذخایر گاز روسیه در ابتدای ۲۰۱۷ بالغ بر ۱/۶۸۸ تریلیون فوت مکعب برآورد شده است و ۳۲ درصد از ذخایر کل جهانی را شامل می‌شود (Yamawaki, 2017: 10) (BP Statistical Review, 2016) (وریچ کاظمی، ۱۳۸۹: ۹۹). از این‌رو، روسیه یکی از بزرگترین کشورهای غنی نفت و گاز در

جهان است که با داشتن منابع متنوع و گسترده اضافی انرژی می‌تواند در یک موقعیت رهبری قرار گیرد (Chernitsina, 2015:3) (Simola and Solanko, 2017:17) (عظیمیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۳۹). درخصوص منابع طبیعی و معدنی نیز باید گفت که روسیه در حال حاضر دومین صادرکننده مواد معدنی نادر است و بیش از ۲۰ درصد کل ذخایر منابع طبیعی جهان را در اختیار دارد که در واقع ۹۵.۷ درصد ثروت ملی روسیه را تشکیل می‌دهد این مسئله در توسعه اقتصادی این کشور سهم بسزایی داشته و روسیه را در وضعیت منحصر به فردی قرار داده است. روسیه با داشتن ۱۷۷ میلیارد تن ذغال سنگ در پایان، ۲۰۱۶ پس از ایالات متحده دومین دارنده ذغال سنگ بازیافتی در جهان بود (EIA, 2017:2). علاوه بر این روسیه عظیم‌ترین صنایع معدنی و فلزی جهان را داشته و از کشورهای پیشرو در تولید آلومینیوم، آرسنیک، سیمان، مس، منیزیم و ترکیبات آن، نیتروژن، پالادیوم، سیلیکون و وانادیوم است. به لحاظ فناوری نیز در زمینه تولید ماشین‌های سنگین روسیه به سرعت در حال رشد بوده و در زمینه هوش مصنوعی و محاسبات کوانتومی نیز پیشرفت‌هایی داشته است. صنعت هسته‌ای روسیه نیز همواره قوی بوده بطوری که روسیه در فضا و بخش‌های خاصی از صنعت دفاعی از پتانسیل زیادی برخوردار است (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۷) (دنیای اقتصاد، ۱۴۰۱).

با این حال، به رغم انباشت مادی قدرت روسیه، به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران، سیاست خارجی روسیه پس از فروپاشی شوروی بیش از آن که متکی به شرایط مادی و منافع عقلانی باشد بر پایه ایده‌ی شان و منزلت استوار شده است. واژه‌ای که در روسیه برای توصیف این وضعیت به کار می‌رود «درژا ونوست»^۱ است که به «دلمشغولی و دغدغه این کشور به موقعیت و منزلت «قدرت بزرگ» بدون توجه به امکانات نظامی و اقتصادی اشاره دارد» (Welch & Shevchenko, 2010:78-79). بنابراین، تلاش روسیه برای کسب موقعیت قدرت بزرگ مبتنی بر «شور و هیجان یا میل به موقعیتی است که اکثر روس‌ها به دلیل وسعت عظیم کشور، منابع و تاریخ آن به عمیقاً معتقدند که به حق از آن آن‌ها است» (Smith, 2012:40). آمریکا به عنوان یکی دیگر از بازیگران دخیل در اوکراین، دارای مساحتی به میزان ۹۱۴۷۴۲۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن بر پایه برآورد

¹ Derzhavnost

سال ۲۰۲۲ بالغ بر ۳۳۵ میلیون نفر تخمین زده شده است. این کشور از لحاظ اقتصادی با دارا بودن ۲۰ درصد تولید ناخالص جهان قدرتمندترین اقتصاد جهان است. از لحاظ نیروی نظامی نیز، آمریکا با دارا بودن بیش از نیمی از بودجه نظامی دنیا و بالاترین نیروی انسانی نظامی، بزرگترین ارتش دنیا را در اختیار دارد (Statista, 2020).

از نظر منابع و معادن ایالات متحده از کشورهای پیشرو در تولید ذغال سنگ است و طی چندین دهه حدود ۳۰ درصد از ذخایر ذغال سنگ جهانی و حجم قابل توجهی از الوار جهان را در خود جای داده است. قدرتمندترین فسیل‌های ایالات متحده سوخت و انرژی بوده و سنگ آهن نیز یکی دیگر از منابع مهم استراتژیک اقتصاد آمریکا است. آمریکا در استخراج این فلز همچنین از لحاظ استخراج نقره و طلا در رتبه دوم جهان قرار دارد. علاوه بر این، این کشور دارای ذخایر تنگستن، پلاتین، ورا، مولیبدن و سایر مواد معدنی است در مجموع ایالات متحده دارای حدوداً ۴۵ تریلیون دلار منابع طبیعی است که تقریباً ۹۰ درصد آن‌ها را الوار و ذغال سنگ تشکیل می‌دهند. سایر منابع آن نیز شامل ذخایر مس، طلا، نفت و گاز طبیعی بوده‌اند.

در زمینه تولید نیز بزرگ‌ترین محصولات آمریکا؛ مواد شیمیایی، تولیدات نفتی، فولاد، خودرو، تولیدات صنایع هوایی، ارتباطات، الکترونیک، تولیدات غذایی و مصرفی، و صنایع معدن و چوب هستند. آمریکا همچنین در تولید برق، ظرفیت پالایش نفت، ذخیره‌های ذغال سنگ، تولید انرژی بادی، و انرژی هسته‌ای در جهان، رتبه نخست را دارد. از این رو باید آمریکا را یکی از کشورهای عمده تولید کننده انرژی در سطح جهان دانست. افزون بر این ایالات متحده آمریکا در برخی از زمینه‌های فناوری نیز دست بالایی دارد. این کشور در زمینه علوم هوا فضا یک قدرت تمام عیار بوده و بر اساس شاخص شدت فناوری‌های پیشرفته، ایالات متحده آمریکا با شرکت‌هایی چون اپل، مایکروسافت، سیسکو، گوگل، فیس بوک، اوراکل، اینتل وای بی ام (IBM) بیشترین درآمد فناوری‌های پیشرفته را به خود اختصاص داده است. مجموعه این عوامل به آمریکا این امکان را می‌دهد تا با تبدیل قدرت بالقوه خود به قدرت بالفعل توانایی تنبیه روسیه را داشته و کماکان تهدیدی جدی برای روسیه به حساب آید.

ناتو نیز به عنوان یک اتحاد بین‌المللی که متشکل از ۳۰ کشور، با جمعیتی بالغ بر ۸۰۰ میلیون نفر، است که بعد از امضا پیمان آتلانتیک شمالی در ۴ آوریل ۱۹۴۹ میلادی تشکیل شد. ناتو در حال حاضر بزرگترین پیمان نظامی در جهان است و تمام اعضای آن به جز ایسلند مجهز به نیروی نظامی بوده و سه عضو از اعضای آن یعنی آمریکا، فرانسه و انگلیس دارای جنگ‌افزار هسته‌ای هستند. بودجه سالانه مستقیم (غیرنظامی، نظامی و سرمایه‌گذاری‌های امنیتی) این سازمان بیش از ۲ میلیارد یورو است که بخش عمده آن توسط چهار کشور ایالات متحده آمریکا (۲۲.۱۴ درصد)، آلمان (۱۴.۶۵ درصد)، فرانسه (۱۰.۶۳ درصد) و انگلیس (۹.۸۵ درصد) تامین می‌شود. علاوه بر این ناتو همچنین دارای سه کرسی دائمی در شورای امنیت سازمان ملل متحد و حق وتو، از وضعیت منحصر به فردی برخوردار است (Blum, 12 May 2014: 1-2) (کوزنتسوف، ۱۳۶۱: ۲۹) (Aliboni, 2005: 1)

جدول ۱) انباشت قدرت روسیه و غرب (آمریکا و ناتو) در سال ۲۰۲۲

ردیف	کشور	وسعت	جمعیت	GDP	تورم
۱	ایالات متحده	۹۸۳۳۵۱۷	۳۳۵	۳/۸	۳/۲
۲	روسیه	۱۷۰۷۵۴۰۰	۱۴۶۳۲	۲/۷	۴/۷
۳	آلمان	۳۵۷۳۸۶	۸۳۰۰۰۰۰۰	۴/۲	۱/۵
۴	فرانسه	۸۳۶۰۰۵۵۰۰۰۰	۶۵۲۰۰۰۰۰	۴/۰	۱/۳
۵	انگلیس	۱۳۰۳۹۵	۶۷۸۰۵۴۱۸	۵/۶	۲/۵

۲-۲-۲. مجاورت جغرافیایی

روسیه با قرار گرفتن در منطقه اوراسیا با ۱۴ کشور آسیایی و اروپایی مرز زمینی، و با کشورهای پیرامون دریای برینگ، دریای ژاپن، دریای خزر، دریای سیاه، و دریای بالتیک مرز آبی دارد. از جمله کشورهایی که با روسیه در جنوب غربی آسیا مرز زمینی دارند، جمهوری آذربایجان و گرجستان را می‌توان نام برد. چین، مغولستان و کره شمالی و قزاقستان کشورهایی که در جنوب شرقی با آن هم‌مرز هستند. روسیه در غرب با

کشورهای اروپای شرقی از جمله اوکراین، بلاروس، لتونی و استونی، لیتوانی، لهستان، نروژ، فنلاند هم‌مرز است و در تنگه برینگ که آلاسکا را از سیبری جدا می‌کند با آمریکا مرز مشترک آبی دارد و از لحاظ جغرافیایی تنها ۴ کیلومتر با یکدیگر فاصله دارند (Huldt, 2002:102). علاوه بر این، حضور دائمی یا موقت نیروهای ناتو و نظامیان آمریکا به صورت مشترک و مستقل در شرق اروپا (لهستان و رومانی و لیتوانی) نزدیک روسیه و هم‌مرز این کشور، استقرار سامانه‌های موشکی در آلاسکا، رومانی، لهستان و کالینین‌گراد، حضور سامانه‌های ضد موشک بالستیک در اروپا و ناوهای مجهز به سامانه ضد موشک بالستیک در دریاها و اقیانوس‌های نزدیک به روسیه باعث شده است که آمریکا و ناتو به گونه‌ای همسایه غیرمستقیم روسیه نیز به حساب آیند. این روند بارها سبب اعلام هشدارهای مسکو شده است، چراکه از نظر مسکو اهدافی که آمریکا با استقرار سامانه دفاع موشکی در کشورهای شرق اروپا تعقیب می‌کند به خاطر نزدیکی به مرزهای روسیه و حکایت از عزم آمریکا برای کنترل و محاصره موشکی روسیه و موشک‌های این کشور است (کوهن، ۱۳۸۷: ۴۳۲).

لازم به ذکر است که آمریکا در ترکیه نیز به عنوان یک کشور عضو ناتو پایگاه نظامی دارد. پایگاه هوایی اینچرلیک^۱ محل استقرار موشک‌های «پاتریوت» و بمب‌های اتمی مدل «بی ۶۱» با قابلیت پرتاب از هواپیماهای «اف ۱۶» بوده و حدود ۵ هزار خدمه نظامی نیروی هوایی آمریکا و وابستگانشان در این پایگاه مستقر هستند. در حال حاضر اینچرلیک به پایگاه بسیار مهمی برای ماموریت‌های خارجی ارتش آمریکا به ویژه در آسیای مرکزی و غرب آسیا مبدل شده است. پایگاه راداری کورچیک^۲ نیز از اصلی‌ترین مکان‌های رهگیری موشک‌های بالستیک برای ناتو محسوب می‌شود که در سال ۲۰۱۲ تاسیس شد (خبرآنلاین، ۱۳۹۸).

در مقابل، رفتار روسیه طی سال‌های اخیر نشان داده است که تمایل ندارد نظاره‌گر ورود اقمار و همسایگان مهم خود به دایره نفوذ غرب باشد، از نگاه روسیه سرنگونی یاناکوویچ اوکراین (۲۰۱۴)، اقدامی غیرقانونی و کودتایی سازمان یافته بود که رهبران آمریکا و اروپا تلاش کردند این کشور را به پایگاه مهم غرب در مجاورت مرزهای

^۱ Incirlik

^۲ Korchik

روسیه بدل نمایند (Mearsheimer, 2014). از این‌رو در واکنش به توجه به توسعه دفاع موشکی آمریکا در برابر روسیه و ایجاد پایگاه‌های نظامی از سوی آمریکا در مناطق مختلف جهان از جمله اوراسیا، فدراسیون روسیه را بر آن داشت تا در مواجهه با سیاست مهار آمریکا و ناتو، به بررسی احیا و ایجاد پایگاه‌های خود در فراسوی مرزها بپردازد و حضور نظامی خود را در مناطق مختلف جهان گسترش دهد. در این راستا در اوایل مارس ۲۰۱۵، سرگی شویگو^۱ وزیر دفاع روسیه سفر خود را به سه کشور آمریکای لاتین؛ ونزوئلا، نیکاراگوئه و کوبا آغاز کرد. هرچند گفت و گوهای شویگو در این سه کشور در پشت درهای بسته برگزار شد و وی افزایش پرواز جنگنده‌های نظامی روسیه در مناطق دوردست جهان را از اصلی‌ترین نیاز به تاسیس پایگاه‌های ویژه سوخت‌گیری در مناطق مختلف به ویژه در منطقه خط استوا اعلام کرد، لیکن تحلیل‌گران اهداف این سفر را پاسخی به اقدامات ایالات متحده آمریکا و استقرار سامانه‌های موشکی در نزدیکی مرزهای روسیه و در نتیجه همکاری‌های نظامی - امنیتی و نظامی - فنی ارزیابی کردند. از این‌رو مسکو نه تنها در کشورهای پیرامونی خود نظیر؛ تاجیکستان، اوستیای جنوبی، اوکراین، قرقیزستان و قزاقستان و حتی سوریه پایگاه نظامی دارد، بلکه در فراسوی مرزها آنجا که زمانی حیات خلوت آمریکا نامیده می‌شد، نیز به همکاری‌های نظامی - امنیتی پرداخته است (خبرگزاری صدا و سیما، ۱۳۹۶). در مجموع ایجاد پایگاه‌های نظامی روسیه در کشورهای آمریکای لاتین به هر دلیل و با هر هدفی که باشد، بیانگر مقابله به مثل کرملین در مواجهه و مقابله با سیاست‌های آمریکا و غرب در فراسوی مرزهایش است که به واقع تهدیدی برای صلح منطقه‌ای و بین‌المللی محسوب می‌شود.

۳-۲-۲. قدرت تهاجمی

با استناد به مرکز پیش‌رفت آمریکا که بودجه نظامی ایالات متحده آمریکا در سال مالی ۲۰۲۱ و ۲۰۲۰ به ترتیب حدود ۷۳۸ و ۷۴۰ میلیارد دلار برآورد کرده است (Korb, 2020). می‌توان گفت که کل بودجه نظامی آمریکا با مجموع بودجه نظامی کشورهای چین، روسیه، عربستان سعودی، فرانسه، انگلستان، آلمان، ژاپن، هند و کره جنوبی برابر

^۱ Sergei Shoigu

است. در واقع، ۳۷ درصد مخارج نظامی جهان که حدود ۱/۷ تریلیون دلار در سال است توسط ایالات متحده آمریکا صرف می‌شود (National Priorities, 2016). چنین بودجه نظامی برای آمریکا این امکان را فراهم می‌آورد تا تجهیزات و امکانات نظامی گسترده‌ای را مهیا کند. بر همین مبنا در حال حاضر آمریکا دارای ۱/۴۰۰/۰۰۰ نیروی نظامی فعال و ۱/۱۰۰/۰۰۰ نیروی نظامی ذخیره، ۸۸۴۸ تانک، ۱۵،۲۹۳ هواپیما، ۲۹۰ شناور، ۱۲۹۹ واحد توپخانه، ۶/۱۹۶ هلیکوپتر، ۹۲۰ هلیکوپتر جنگی، ۱۰ ناو هواپیمابر است (Global Firepower, 2022). برخلاف بودجه فوق‌العاده زیاد آمریکا که با مجموع بودجه ۱۰ قدرت نظامی دنیا برابری می‌کند، بودجه نظامی روسیه ۸۴،۵ میلیارد دلاری معادل ۱۴ درصد بودجه آمریکا است. این کشور در مجموع دومین قدرت نظامی جهان بوده و در حال حاضر ۷۶۶،۰۵۵ نیروی خط مقدم فعال، ۲،۴۸۵،۰۰۰ نیروی ذخیره فعال، ۱۵۵۰۰ تانک، ۳۱،۲۹۸ خودروهای زره‌پوش جنگی، ۵،۹۷۲ توپ‌های خودکششی، ۴،۶۲۵ توپخانه متحرک، ۴،۴۹۸ هواپیما، ۳۵۲ شناور و ۱ ناو هواپیمابر دارد (Global firepower, 2022). بدین ترتیب روسیه بر اساس تجهیزات نظامی از نظر شمار تانک‌ها رتبه اول را دارد. چرا که روسیه اکنون صاحب بیش از ۱۵ هزار و پانصد دستگاه تانک ذخیره و عملیاتی است که عمده آن‌ها را تی ۷۲ و تی ۸۰ تشکیل می‌دهند. به علاوه ۵۵۰ دستگاه تانک تی ۹۰ نیز به عنوان به‌روزترین تانک‌های روسی در اختیار این کشور است. در مقابل، آمریکایی‌ها هشت هزار و ۳۲۵ دستگاه تانک آبرامز در اختیار دارند. آبرامزهای آمریکایی به لحاظ کارایی از بیشتر تانک‌های روسی مدرن‌ترند، اما دیگر دست برتر را در فناوری ندارند. افزون بر این در چند سال اخیر روس‌ها همچنین در رژه میدان سرخ از تانک‌های خانواده آرماتا رونمایی کردند که طراحی کاملاً متفاوتی از تی ۷۲ دارند. به همراه این تانک‌ها، از نسل کاملاً جدیدی از زره‌پوش‌ها نیز رونمایی شد که جای زره-پوش‌های قدیمی روسیه را خواهند گرفت. در مقابل، آمریکا به علت عدم اختصاص بودجه کافی در این زمینه فعلاً هیچ برنامه خاصی برای جایگزینی آبرامز که از دهه هشتاد میلادی در خدمت آن‌ها است ندارند. مهم‌ترین برنامه کنونی آن‌ها، به‌روزرسانی آبرامز به مدل M1A3 است که نمی‌توان آن را یک ارتقا یافته تمام عیار به شمار آورد. در رابطه با نیروی هوایی نیز با یک تفاوت ۷۵ درصدی به نفع آمریکا، روسیه بعد از آمریکا

بیشترین هواپیماهای نظامی را در اختیار دارد. ارتش ایالات متحده بیش از ۱۳ هزار و هشتصد هواپیما و هلی کوپتر دارد که کمی بیش از چهار هزار و پانصد فروند آنها را هواپیماهای جنگنده و بمب‌افکن تشکیل می‌دهد (مودنی، ۱۴۰۰) (دنیای اقتصاد، ۱۴۰۰) (آرین، ۱۳۹۴) (خبرگزاری صدا و سیما، ۱۳۹۶).

گرچه تا پیش از فروپاشی شوروی، نیروی هوایی ارتش سرخ استعدادی بالغ بر ۱۰ هزار فروند هواپیما از تمامی انواع را داشته، اما حال آن که استعداد کنونی نیروی هوایی روسیه، کمتر از چهارهزار فروند هواپیما است. همچنین ناوگان جنگنده نیروی هوایی آمریکا را جنگنده‌های اف ۱۶ سی دی تشکیل می‌دهد و حدود چهارصد جنگنده‌ی اف ۱۵ در تمامی مدل‌ها نیز در نوک پیکان آن قرار دارد. اما قلب این ناوگان از ۱۸۶ فروند جنگنده نسل پنجمی اف ۲۲ تشکیل شده که در حال حاضر عملاً یکی از پیشرفته‌ترین جنگنده هوایی دنیا به شمار می‌رود. در مقابل روس‌ها وارث ناوگانی قدیمی‌ترند که عمدتاً از زمان ارتش سرخ باقی مانده است. ساختار رزمی نیروی هوایی کنونی روسیه، از شش وینگ تشکیل می‌شود که به همراه نیروی دریایی تقریباً صاحب ۷۶۰ جنگنده است. ناگفته نماند که روسیه بزرگ‌ترین ناوگان زرهی جهان را در اختیار دارد. بطوری که این کشور همچنان قوی‌ترین قدرت زرهی دنیا به حساب می‌آید و از نظر شمار زیردریایی بعد از آمریکا و چین، رتبه سوم را دارد. در مورد توانایی هسته‌ای نیز بر اساس گزارش انجمن تسلیحاتی (ACA)، روسیه ۷۱۰۰ کلاهک هسته‌ای دارد که ۱۶۴۸ مورد از آنها در وضعیت کاملاً عملیاتی هستند و آمریکا نیز صاحب ۷۱۰۰ کلاهک‌اند که ۱۵۳۸ مورد از آنها در شرایط عملیاتی است. (Arms control, 2015). بر این اساس در رابطه با استفاده از تسلیحات هسته‌ای، روسیه بعد از آمریکا جای دارد و به گونه‌ای از تمامی کشورهای ناتو قوی‌تر است و می‌تواند در صورت بروز توطئه و جنگ، در برابر ناتو بایستد.

انگلیس نیز به عنوان یکی از چهار قدرت برتر نظامی عضو ناتو با داشتن تجهیزات پیشرفته، آموزش‌های بسیار مناسب و ۱۶۰ سلاح اتمی قدرت سوم جهان هسته‌ای است. بودجه نظامی این کشور ۶۰٫۵ میلیارد دلار و شمار پرسنل نظامی آن ۱۴۶۹۸۰ نفر است. ارتش این کشور ۴۰۷ تانک، ۹۳۶ هواپیما، ۶۶ کشتی جنگی و ۱۰ زیردریایی دارد.

بودجه نظامی فرانسه به عنوان دومین قدرت برتر نظامی ناتو ۶۲,۳ میلیارد دلار و شمار پرسنل نظامی آن ۲۰۲۷۶۱ نفر است. این کشور ۲۹۰ سلاح اتمی، ۴۲۳ تانک، ۱۲۶۴ هواپیما و ۱۰ زیردریایی دارد. ترکیه نیز به عنوان یکی از اعضای موثر در تقویت فرماندهی و توان نظامی ناتو با بودجه نظامی ۱۸,۲ میلیارد دلار (نزدیک به یک سوم بودجه فرانسه و نصف بودجه ایتالیا) ۴۱۰۵۰۰ پرسنل نظامی و ۳۷۷۸ تانک ۱۰۲۰ هواپیما و ۱۳ فروند زیردریایی دارد. ارتش ترکیه از نظر کمی یکی از قدرتمندترین ارتش‌ها در شرق مدیترانه است. این ارتش ناو هواپیمابر ندارد ولی شمار تانک‌ها و هواپیماها و هلی‌کوپترهای آن در مقایسه با کشورهای همسایه‌اش چشمگیر است. علاوه بر این ارتش ترکیه در رده چهارم ۲۷ ارتش عضو ناتو قرار گرفته و با ۱۹۴ وسیله دریایی در رده دوازدهم کشورهای دارای بیشترین تعداد ادوات دریایی ایستاده و در حوزه نیروی هوایی نیز با برخورداری از ۱۰۵۶ فروند انواع ادوات هوایی در رده دهم نیرو هوایی‌های جهان قرار دارد (Radio Free Europe/Radio Liberty RFE/RL,) (2019).

۱۱۷



تبیین چوایی و
چگونگی شکل‌گیری
جنگ روسیه و
اوکراین بر پایه
نظریه «موازنه
تهدید»

جدول ۲) قابلیت‌های نظامی روسیه و غرب (آمریکا و ناتو) در سال ۲۰۲۲

کشور	نیروی نظامی	نیروی ذخیره نظامی	هزینه‌های دفاعی	تسلح‌های هسته‌ای (کلاهک)	ناو هواپیمابر	هواپیما	تانک	زیر دریایی
آمریکا	۱/۴۰۰/۰۰۰	۱/۱۰۰/۰۰۰	۷۳۸۷۴۰	۷۱۰۰	۱۰	۱۵۲۹۳	۸۸۴۸	۷۱
روسیه	۷۶۶,۰۵۵	۲,۴۸۵,۰۰۰	۸۴۵	۷۱۰۰	۱	۴,۴۹۸	۱۵۵۰۰	۶۱
فرانسه	۲۰۵,۰۰۰	۱۹۵,۷۷۰	۶۲۳	۲۹۰	۴	۱,۲۸۲	۴۲۳	۱۰
انگلیس	۱۵۰,۰۰۰	۱۸۲,۰۰۰	۶۰.۵	۱۶۰	۲	۹۳۶	۴۰۷	۱۰
ترکیه	۴۲۵,۵۰۰	۱۸۵,۶۳۰	۱۸۲	۰	۰	۱۰۲۰	۳۷۷۸	۱۳

۳-۲. نیت‌های تهاجمی:

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و به تبع آن پایان سیستم دو قطبی و تثبیت آمریکا به عنوان قدرت فائقه جهانی روسیه خود را بازنده تحولات پس از جنگ سرد می‌بیند که جایگاه ابرقدرتی آن از بین رفته و از تصمیم‌گیری‌های جهانی کنار گذاشته شده است. از این‌رو، روسیه در دوران پوتین بار دیگر بر روی به دست آوردن نفوذ جهانی و منطقه‌ای خود تمرکز کرده و با زیر سوال بردن مشروعیت قواعد و هنجارها و نهادهای کنونی، به دنبال جایگزین ساختن الگوهای مورد نظر خود است. مسکو این حق را برای خود محفوظ می‌داند که در مناطق پیشین شوروی، حوزه نفوذ داشته باشد، هرچند که واشنگتن نیز با استفاده از ناتو برای خود در این مناطق، حوزه نفوذ ایجاد کرده است. بدین ترتیب این امر موجب شده است که در فضای پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روسیه غرب را به عنوان رقیب و تهدید امنیتی جدی قلمداد کند که تلاش دارد یک‌بار دیگر راهبرد مهار را در قبال روسیه در پیش بگیرد (Mizin, 2017:1-2). این نگاه بدبینانه روسیه به غرب را در وهله اول باید ناشی از برتری غرب در تصمیمات سیاسی مشخص در قبال روسیه مانند مداخله کوزوو و لیبی، جنگ عراق، حمایت از بازیگران طرفدار غرب در اروپای شرقی (مانند انقلاب گل سرخ) در گرجستان و انتقاد از وضعیت حقوق بشر و سیاست قفقاز روسیه و در نهایت گسترش اتحادیه اروپا و در درجه اول ناتو به سمت شرق دانست که همه این موارد در برابر مخالفت‌های سریع روسیه انجام گرفته و به راحتی می‌تواند به عنوان تهدید یا حتی نقض نگرانی‌های امنیتی روسیه تلقی شود (Bock, Henneberg & Plank, 2015:13).

در وهله بعد از نظر مقامات روسیه، اتحادیه اروپا پس از جنگ سرد و به دنبال گسترش ناتو، مواضع تندی را بر ضد روسیه اتخاذ کرده است در واقع یک ائتلاف قوی ضد روسی توسط لهستان، سوئد و دولت‌های حوزه دریای بالتیک شکل گرفته است از این‌رو، پوتین و دیگر مقامات روسیه متقاعد شدند که غرب درصدد است تجربه بالتیک را در قفقاز و آسیای مرکزی تکرار نماید. افزون بر این روسیه اتحادیه اروپا را به نحوی ادامه راهبردی ایالات متحده و ناتو می‌داند که تداعی‌کننده انگاره‌هایی همچون چالش‌های نظامی و امنیت سخت است. اعضای اتحادیه اروپا که

عضو ناتو نیز هستند، بارها با سیاست‌های روسیه در قبال ناتو مخالفت کرده‌اند (ثمودی پبله ور، ۱۳۹۶: ۶۱-۶۰). بنابراین با توجه به نظریه والت که معتقد است دولت‌ها اگرچه از قدرت بلامنازع آمریکا نگرانند اما نه به قدرت این کشور، بلکه به تهدید آن واکنش نشان می‌دهند. این تهدید حاصل عملکرد ۴ رکن «قدرت کلی، نزدیکی جغرافیایی، توان تهاجمی و نیت تجاوزکارانه» است. با این وصف، اقدامات تحریک‌آمیز آمریکا و ناتو پس از جنگ سرد در اوکراین که منطقه و حوزه نفوذ مسکو به شمار می‌رود، بر ادراکات و برداشت روسیه این تاثیر را گذاشته است که همواره باید به تهدیدات موجود در اوکراین پاسخ فوری داد.

بر این اساس است که نظریه‌پردازانی همچون استفان والت غرب (آمریکا، اتحادیه اروپا) را عامل شکل‌گیری بحران اوکراین دانسته و معتقد است «بحران اوکراین با یک حرکت جسورانه روسیه یا حتی یک سری از خواسته‌های نامشروع روسیه شروع نشد. این بحران زمانی آغاز شد که ایالات متحده و اتحادیه اروپا سعی کردند اوکراین را از مدار روسیه خارج کرده و در حوزه نفوذ غرب قرار دهند» (Walt, 2015: 3) در این راستا مرشایمر^۱ نیز مداخله نظامی روسیه در اوکراین و انضمام کریمه را در واقع واکنش مستقیم این کشور به توسعه سه‌گانه ناتو، اتحادیه اروپا و اقدام‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا در حوزه خارج نزدیک روسیه دانسته و به مانند والت ریشه اصلی این بحران را عوامل کلیدی چون؛ گسترش ناتو و تلاش برای خارج کردن اوکراین از مدار روسیه و حمایت غرب از جنبش‌های طرفدار دموکراسی در اوکراین که با انقلاب نارنجی در سال ۲۰۰۴ شروع شد، می‌داند (Mearsheimer, 2014:1) در این رابطه پوتین هنگام سخنرانی در سواستوپل، در جشن ادغام کریمه به روسیه، به وضوح بیان کرد که: ما قبلاً اظهار نظرهایی را از کی‌یف در مورد پیوستن قریب‌الوقوع اوکراین به ناتو شنیده ایم. این چه معنایی برای کریمه و سواستوپل در آینده خواهد داشت؟ این بدان معناست که نیروی دریایی ناتو دقیقاً در این شهر با شکوه که موقعیت نظامی ویژه‌ای برای روسیه دارد، حضور خواهد داشت و این یک تهدید توهم‌آمیز نیست، بلکه تهدیدی کاملاً واقعی برای سراسر جنوب روسیه ایجاد می‌کند (Putin, 2014a) مرشایمر در پی

^۱ Mearsheimer

وقوع بحران اخیر روسیه-اوکراین (۲۰۲۲) نیز اظهار داشت؛ ایالات متحده مسئول اصلی ایجاد بحران اوکراین است، حتی اگر پوتین آغاز کننده جنگ و مسئول رفتار روسیه در میدان نبرد باشد: «نکته کلیدی از نظر من این است که ایالات متحده سیاست‌هایی را در قبال اوکراین به پیش برد که پوتین و همکارانش آن را به‌عنوان یک «تهدید وجودی» برای کشورشان تلقی می‌کنند [...] به ویژه من در مورد وسواس آمریکا برای وارد کردن اوکراین به ناتو و تبدیل آن به یک سنگر غربی در مرز روسیه صحبت می‌کنم» (Mearsheimer, 2022). از این رو، خاک اوکراین را باید کانون و منشا منازعه روسیه و غرب دانست. در چرایی این مهم باید عنوان کرد که سازمان ناتو در دوران ریاست جمهوری بیل کلینتون^۱، سیاست درهای باز و سیاست گسترش به سمت کشورهای اروپای شرقی را در پیش گرفت و در مرحله نخست از سال ۱۹۹۹ با پذیرش ۳ جمهوری بالتیک شوروی سابق؛ لهستان، مجارستان و چک و ۴ کشور بلوک کمونیستی در شرق اروپا گسترش یافته است. پس از آن در سال ۲۰۰۴ تمام کشورهای اروپای مرکزی و شرقی از جمله کشورهای بالتیک به ناتو ملحق شدند. تلاش تحریک‌آمیز آمریکا برای پیوستن اوکراین به ناتو در سال ۲۰۰۸ به تشدید مناقشه دامن زد. زیرا ادغام فزاینده اوکراین در نهادهای یورو-آتلانتیک و به ویژه ناتو توازن قدرت نظامی بین روسیه و اوکراین را به دلیل نصب سیستم‌های نظامی ناتو، تامین تجهیزات، آموزش و تمرین‌های مشترک تغییر می‌دهد. این کشور عمق استراتژیک روسیه است و به عنوان منطقه حائل در برابر مداخله نظامی غرب به روسیه از این کشور محافظت می‌کند. همچنین اوکراین محل ترانزیت بیش از ۸۰ درصد گاز وارداتی اروپا از روسیه است و بدون حضور اوکراین و شاهراه عبوری انرژی روسیه به غرب، تلاش‌های روسیه فاقد نفوذ و تاثیر ژئوپلیتیک خواهد بود. موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک اوکراین طوری است که روسیه و غرب هر کدام به دنبال افزایش نفوذ خود و کاهش نفوذ طرف مقابل در این کشور می‌باشند. همچنین در سطحی شدیدتر روسیه پیوستن مونته‌نگرو در سال ۲۰۱۷ به ناتو و گسترش این سازمان را نه تنها توهین به خود، بلکه آن را چالشی جدی برای امنیت خود و شکست جدی در بهم خوردن موازنه قوا می‌

^۱ Bill Clinton

داند (De Maio, 2016:6) (Trenin, 2014:4) (Tsygankov, 2015: 11). از این رو، روسیه به دنبال دکترینی که رئیس جمهور ولادیمیر پوتین در سخنرانی خود در مونیخ در سال ۲۰۰۷ به صراحت بیان کرد، تضمینی می‌خواهد که ناتو به سمت شرق حرکت نکند. در این خصوص پوتین در گرجستان در سال ۲۰۰۸ و اوکراین در سال ۲۰۱۴ نشان داده است که مایل است برای اجرای این دکترین مبارزه کند (Astrof et al, 2022:9).

ولادیمیر پوتین همچنین بارها استدلال کرده که آمریکا در سال ۱۹۹۰ تضمین داده است تا ناتو به سمت شرق گسترش نیابد، اما به گفته وی این قول بارها شکسته شده است. در این راستا میخائیل گورباچف^۱ آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی نیز در سال ۲۰۰۹ در مصاحبه با نشریه «بیلد» آلمان از گسترش ناتو به سوی شرق و خلف وعده قدرت‌های غربی در عمل به تعهد خود مبنی بر عدم استقرار پایگاه‌های نظامی در نزدیکی مرزهای روسیه انتقاد کرد و اظهار داشت: «آلمان غربی، ایالات متحده و دیگر قدرت‌ها پس از اتحاد مجدد آلمان در سال ۱۹۹۰ متعهد شدند ناتو یک سانتیمتر به سمت شرق حرکت نخواهد کرد». اما آمریکایی‌ها به وعده خود عمل نکرده‌اند و آلمان‌ها نیز چشم خود را بسته‌اند. آن‌ها احتمالاً دستان خود را به هم مالیده‌اند و از اینکه به روس‌ها حقه زده‌اند، خوشحالند» (Bock, Henneberg & Plank, 2015: 14). پوتین همچنین در جریان نشست تلویزیونی سازمان پیمان امنیت جمعی - نظامی تحت رهبری مسکو، گفت: عضویت کشورهای شمال اروپا در ناتو هیچ تهدید مستقیمی برای ما ایجاد نمی‌کند. اما گسترش زیرساخت‌های نظامی به این سرزمین‌ها قطعاً پاسخ ما را در قالب اتحاد نظامی به رهبری روسیه برمی‌انگیزد (Tereshchenko, 2022). از آنجا که گسترش ناتو به معنای حرکت به سمت شرق است که بخشی از حوزه امنیتی روسیه محسوب می‌شود و هیچ کشوری تمایل ندارد که در کنار مرزهایش نیروهای متعارض سازماندهی و مستقر شوند، چنانچه ناتو به اوکراین می‌رسد و این کشور بخشی از فضای ژئوپولیتیکی ناتو می‌شد، در آن شرایط روسیه مرز به مرز ناتو قرار می‌گرفت و همانگونه که پوتین می‌گوید احتمال درگیری ناتو و روسیه افزایش پیدا می‌کرد چرا که

۱۳۱

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

تبیین چوایی و
چگونگی شکل‌گیری
جنگ روسیه و
اوکراین بر پایه
نظریه «موازنه
تهدید»

¹ Mikhail Gorbachev

در سند امنیت ملی روسیه این مسئله ذکر شده است که ناتو و آمریکا به عنوان تهدید محسوب می‌شود: «در این سند آمده است که ایالات متحده آمریکا نه تنها تهدیدی هسته‌ای بوده بلکه در حال گسترش شبکه نظامی بیولوژیکی خود در مناطق مجاور روسیه است. از این رو مسکو استفاده از نیروی نظامی را به‌عنوان آخرین راه‌حل برای محافظت از منافع ملی توصیف می‌کند و تاکید دارد که باید روابط خود را با چین، هند، آمریکای لاتین و کشورهای آفریقایی تقویت کند.

نکته مهم در سند امنیت ملی در سال ۲۰۱۵، اشاره به اقدامات مخرب ایالات متحده و احساس تهدیداتی است که از جانب این قدرت متخاصم احساس می‌شود. روابط ایالات متحده و روسیه که از سال ۲۰۰۱ بهبود یافته بود، با انتخاب پوتین به‌عنوان رئیس‌جمهور برای سومین بار در سال ۲۰۱۲، دوباره وارد یک دوره آشفتگی شد. اتهاماتی از قبیل مداخله در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا، روابط را به شرایط دوران جنگ سرد برگرداند.

در دوران دونالد ترامپ، ایالات متحده راهی را برای تحت فشار قرار دادن مسکو، به ویژه با توسعه اقدامات در زمینه انرژی در پیش گرفت با این وجود، مسکو توانست با بهره‌گیری از سخنان منزوی کننده ترامپ و سیاست‌های متناقض ایالات متحده، تا حد ممکن دستاوردهای خود را حفظ کند. با روی کار آمدن بایدن، واشنگتن تلاش کرده با اتکا به متحدان خود، فصل جدیدی از تحریم‌های اقتصادی و دیپلماتیکی را علیه روسیه آغاز کند. این سند تهدیدهای نظامی روسیه را رو به افزایش می‌داند و توسعه زیرساخت‌های نظامی ناتو را در مناطق نزدیک نگران‌کننده توصیف می‌کند. در این سند، تهدید نظامی و اقتصادی در ایالات متحده به‌وضوح دیده می‌شود (Russias National Security Strategy Approved, December 31, 2015). در پایان می‌توان با این اظهار نظر مرشایمر هم‌صدا شد که مسکو اساساً علاقه‌ای به تبدیل اوکراین به بخشی از سرزمین روسیه ندارد، اما به این فکر می‌کند که این کشور در عمل به سکوی پرشی برای تجاوزات غرب تبدیل شده است و اینکه روسیه در حالی که با تهدید دائمی از خاک اوکراین امروزی مواجه است، نمی‌تواند احساس «امنیت، توسعه و وجود» داشته باشد. به اعتقاد مرشایمر علیرغم روایت غرب در مورد ناتو، سویه تعیین‌کننده برای درک

علل ریشه‌ای این درگیری این است که مسکو چه نگاهی به اقدامات ناتو دارد و آن‌ها را چگونه تفسیر می‌کند (Mearsheimer, 2022). از این رو، ولادمیر پوتین رئیس‌جمهوری روسیه ۲۱ فوریه ۲۰۲۲ با انتقاد از بی‌توجهی غرب به نگرانی‌های امنیتی مسکو، استقلال جمهوری‌های خلق دونتسک و لوهانسک را در منطقه دونباس به رسمیت شناخت و سه روز پس از آن یعنی ۲۴ فوریه نیز عملیاتی نظامی که آن را «عملیات ویژه» خواند، علیه اوکراین آغاز کرد و به این ترتیب روابط پرتنش مسکو - کی‌یف به رویارویی نظامی تغییر وضعیت داد.

۱۲۳

جدول ۳) نيات تهاجمی غرب (آمریکا و ناتو) از دید روسیه

سال	تهدیدات
۱۹۹۹	مداخله کوزوو در برابر مخالفت‌های صریح روسیه و علیه صربستان، متحد روسیه
۱۹۹۹	گسترش اتحادیه اروپا و در درجه اول ناتو به سمت شرق
۲۰۰۳	جنگ عراق علی‌رغم مخالفت‌های روسیه
۲۰۰۳	حمایت بازیگران طرفدار غرب در اروپای شرقی (مانند انقلاب گل سرخ در گرجستان)
۲۰۱۱	مداخله در لیبی علی‌رغم مخالفت‌های روسیه
۲۰۱۳	تغییر ساختار قدرت در اوکراین
۲۰۱۷	پیوستن مونته‌نگرو به ناتو

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به این پرسش اصلی بود که علل و انگیزه‌های تهاجم روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ چه بوده است؟ یافته‌های پژوهش با بهره‌گیری از نظریه «موازنه تهدید» استفان والت نشان داد که رفتار روسیه در بحران اخیر ناشی از تهدیدات ادراک شده این کشور از سوی غرب (آمریکا و اروپا) است. روسیه، منبع این تهدیدات را اساساً گسترش اتحادیه اروپا، گسترش ناتو و بسط ارزش‌های لیبرال دموکراسی غرب به قلمرو نفوذ و حیات خلوت خود در اروپای شرقی و کشورهای



تبیین چرایی و چگونگی شکل‌گیری جنگ روسیه و اوکراین بر پایه نظریه «موازنه تهدید»

مشترک‌المنافع و غایت آن را به حاشیه رفتن از صحنه قدرت جهانی می‌داند. از آنجا که روسیه همچنان خود را به مثابه یک ابرقدرت (حداقل از نظر نظامی) در عرصه بین‌الملل تلقی می‌کند، گسترش و فزون‌خواهی اتحادیه اروپا و ناتو را نوعی خطر علیه امنیت ملی خود دانسته و آن را در راستای کاهش اقتدار روسیه در نظام بین‌الملل، از بین بردن مناطق حائل روسیه و بی‌توجهی به این کشور بزرگ می‌داند. پوتین پایان شوروی را بزرگ‌ترین تراژدی ژئوپلیتیک قرن بیستم دانسته و کماکان خواهان آن است که غرب و ناتو از تمام کشورهایی که در گذشته جزو پیمان ورشو بودند عقب‌نشینی کنند و تضمین بدهند که هرگز به سمت شرق توسعه نیابند. روسیه همیشه به توسعه ناتو اعتراض کرده و خواهان یک ساختار امنیتی فرا اروپایی است که خودش هم نقش مهمی در آن داشته باشد. از نظر مسکو برتری و یکجانبه‌گرایی غرب در تصمیمات سیاسی مشخص در قبال روسیه به راحتی می‌تواند به عنوان تهدید یا حتی نقض نگرانی‌های امنیتی روسیه تلقی شود. برای نمونه؛ مداخله در کوزوو، که در برابر مخالفت‌های صریح روسیه و علیه صربستان، متحد روسیه انجام شد. جنگ عراق؛ که در آن اعضای جدید اتحادیه اروپا (یعنی کشورهای اروپای شرقی) با آمریکا متحد شدند تا علی‌رغم مخالفت‌های فرانسه، روسیه و آلمان به طور غیرقانونی مداخله کنند. مداخله لیبی؛ نمونه دیگری از مداخله‌گرایی نظامی غرب، استفاده از ناتو به عنوان ابزاری برای گسترش ماموریت سازمان ملل؛ حمایت بازیگران طرفدار غرب در اروپای شرقی (مانند انقلاب گل سرخ در گرجستان) و انتقاد از وضعیت حقوق بشر و سیاست قفقاز روسیه و در نهایت گسترش اتحادیه اروپا و در درجه اول ناتو به سمت شرق. اگرچه از نگاه غرب، هیچ یک از این تصمیمات سیاسی تهدیدی برای روسیه محسوب نمی‌شود و همه آن‌ها را می‌توان به عنوان مسالمت‌آمیز، طرفدار دموکراسی یا تدافعی تفسیر کرد، اما این امر در ذهنیت رهبران روسیه پس از فروپاشی شوروی، یک تهدید امنیتی جدی برای این کشور تلقی شده است که تلاش دارد یک‌بار دیگر راهبرد مهار را در قبال روسیه در پیش بگیرد. در این راستا روسیه دو معاهده، یکی برای آمریکا و دیگری برای ناتو، ارائه کرد که خلاصه‌ای از خواسته‌های خود برای کاهش تنش را در بر داشت. در متن این معاهده روسیه گسترش ناتو به‌ویژه در اوکراین را ممنوع می‌کند و همکاری نظامی غرب در

شرق اروپا و شوروی سابق را بدون تحمیل اقدامات مشابه بر روسیه محدود می‌نماید. با این حال عدم توجه غرب به این ملاحظات و تحرکات و اقدامات آمریکا و ناتو در در اوکراین از یکسو، و درک اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک این کشور برای روسیه از سوی دیگر، موجب شد تا عزم پوتین برای مقابله با پیشروی غرب، حالت تهاجمی به خود بگیرد و سرانجام در بامداد پنج‌شنبه بیست‌و‌چهارم فوریه با فرمان عملیات نظامی ویژه منجر به آغاز جنگ اوکراین گردد. ارزیابی درستی و نادرستی و نتایج و پیامدهای این تصمیم برای روسیه و همچنین آینده نظم بین‌المللی، موضوع پژوهشی دیگری است که در جای خود قابل بررسی است.

منابع

- ثمودی پیلهور، علیرضا (۱۳۹۶)، «جنگ سرد جدید در روابط اتحادیه اروپا و فدراسیون روسیه»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره، ۱۰۰، صص ۸۸-۵۳.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال؛ موسوی، سیدرحمان (۱۳۹۰)، «شاخصه‌های راهبرد امنیت انرژی روسیه در قبال اتحادیه اروپا»، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۴، شماره ۱۲، صص ۶۶-۳۷.
- زیبا کلام، صادق و دیگران (۱۳۹۴)، «تبیین سقوط دولت یانکوویچ در اوکراین»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره ۲، صص ۳۲-۷.
- سیمبر، رضا؛ اسماعیلی، علی (۱۳۹۲)، «علل شکل‌گیری و تداوم اتحاد ایران ۲۰۰۰-۱۹۷۹»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره دوم، شماره ۲، صص ۲۸-۷.
- عظیمیان، سهیلا؛ مدرس، محمدولی؛ محمدعلیپور، فریده (۱۳۹۵)، «تاثیر راهبرد انرژی روسیه بر نحوه تامین نیازهای انرژی کشورهای اروپایی»، فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دوره ۱، شماره ۲.
- کریمی‌فرد، حسین (۱۳۹۴)، «تبیین رئالیستی سیاست خارجی عربستان در قبال بحران‌های خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره ۲۱، صص ۱۰۹-۷۹.
- کوزنتسوف، الکساندرو (۱۳۶۱)، دو پیمان ناتو و ورشو، ترجمه منوچهر زمان و پرویز هوشنکی، تهران: انتشارات ابوریحان.
- کوهن، سوئل برنارد (۱۳۸۷)، ژئوپلیتیک نظام جهانی، ترجمه عباس کاردان، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- لیتل، ریچارد (۱۳۸۹)، تحول در نظریه‌های موازنه قوا، ترجمه غلامعلی چگینی‌زاده، تهران: نشر ابرار معاصر.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۸)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.

وریج کاظمی، مریم (۱۳۸۹)، «قرن ۲۱ و تحولات ژئواکونومیک روسیه»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، دوره ۷، شماره ۲، صص ۱۰۸-۹۷.

- Aliboni, R. (2005). the Geopolitical Imlications of the European Neighbourhood Policy. *European Foreign Affairs Review*, 10, (1)1- 16.
- Andreas M Bock, Ingo Henneberg and Friedrich Plank (2015). If you compress the spring, it will snap back hard: The Ukrainian crisis and the balance of threat theory. *International Journal*, 70(1)101- 109.
- Astrof, et al. (2022). *Possible Russian Invasion of Ukraine, Scenarios for Sanctions, And Likely Economic Impact on.* (Report No. 55), Retrieved from The Vienna Institute for International Economic Studies: <https://wiiw.ac.at/possible-russian-invasion-of-ukraine-scenarios-for-sanctions-and-likely-economic-impact-on-russia-ukraine-and-the-eu-p-6044.html>
- Blum, W. (۲۰۱۴). the Myth of Soviet Expansionism. *Foreign Policy Journal.De*
- Dibb, P. (2016). Why Russia is a Threat to the International Order. *Australian Strategic Policy Institute*, Retrieved from: <https://www.aspi.org.au/report/why-russia-threat-international-order>.
- BP Statistical Review. (2016). Russia's Energy Market in 2016. Available at: <https://www.bp.com/content/dam/bp/en/corporate/pdf/energyeconomics/statistical-review-2017/bp-statistical-review-of-world-energy-2017-russia-insights.pdf>, (Accessed on: 26/10/2017)
- pentagons-fiscal-year-2021-budget-meets-u-s-national-security-needs/
- Chernitsina. S. (2015). Rol Energeticheskoy Diplomatii v Formirovanii Vnesney Politiki Rossiina Sovremennom Etape (2000-2014). *Dissertatsiya Moskovskiy Gosudarstvennyy Institut*.
- De Maio, Giovanna. (2016). Russia's View of Ukraine after the Crisis. *Institutio Affari Internazionali*, Working Papers.16, (.4).
- EIA. (2017). Country Analysis Brief: Russia. *US Energy Information Administration* .
- Global Fire Power. (2021). Iran Military Strength. available from: https://www.globalfirepower.com/country-military-strengthdetail.asp?country_id=iran
- Huldt, B. (2002). Security in the Baltic Sea Region. Available pdf. Accessed on: 2012/08/10.
- Korb. L. J. (2020). The Pentagon's Fiscal Year 2021 Budget More Than Meets U.S. National Security Needs. available from: <https://www.americanprogress.org/issues/security/reports/2020/05/06/484620/>
- Mankoff, J. (2022). Russia's War in Ukraine Identity, History, and Conflict. *the Center for Strategic and International Studies*, 45, (2)127- 147.
- Mearsheimer, J.J. (2014). why, the Ukraine Crisis is the West's Fault: The Liberal Delusions That Provoked Putin. *Foreign Affairs*, 93, (5) 77- 89
- Mearsheimer, J. (2022). On the causes and consequences of the Ukraine war Retrieved from: <https://www.eui.eu/news-hub?id=john-mearsheimers-lecture-on-the-causes-and-consequences-of-the-ukraine-war>

۱۲۶

پژوهش‌های
روابط بین‌الملل

فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دوازدهم،

شماره سوم، شماره

پیاپی چهل و شش،

پاییز ۱۴۰۱

- Menkiszak, M. (2016). Russia's Long War on Ukraine, Transatlantic Academy Paper Series, February, at: http://www.transatlanticacademy.org/sites/default/files/publications/Menkiszak_RussiasLongWar_Feb16_web.pdf, Accessed on: 2016/11/3.
- Mizin, V. (2017). EU-Russia Relations from a Russian Point of View. Heinrich Boll Stiftung, July 26, Available at: <https://eu.boell.org/en/2017/07/26/eu-russia-relations-russian-point-view>.
- Putin, V. (2014a). Address by the president of the Russian Federation in Sevastopol. Crimea Republic. . Accessed 12.01, February, at: <http://en.kremlin.ru/events/president/news/20603>
- Global Nuclear Arsenal Declines, But Future Cuts Uncertain Amid U.S. -Russia Tensions. Radio Free. (2019). Europe/Radio Liberty (RFE/RL)..
- ۱۲ Russia's National Security Strategy (Approved, December 31, 2015), <http://en.kremlin.ru/events/president/news/>
- Retrieved February 27, 2017. "Active Duty Military Personnel Strengths by Regional Area and by Country (309A)" (PDF). *Department of Defense*. March 31, 2010. Archived from the original (PDF) on July 24, 2013. Retrieved October 7, 2010.
- Statista. (2020). Gross domestic product (GDP) of the United States. at current prices from 1985 to 2025, available from: <https://www.statista.com/statistics/263591/gross-domestic-product-gdp-of-the-united-states/>
- Simola, heli. , Laura, S. (2017). Bofit Policy Brief, Overview of Russia's Oil and Gas Sector, Bank of Finland, BOFIT. *Institute for Economies in*,5, 1- 34.
- Smith, H. (2012). *Domestic in fluences on Russian foreign policy: status, interestsand ressentiment in N.R. Freire & R.E. kanet.* (Eds), Russian and its near neighbours: Identity, interests and foreign policy, 39- 62. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Trenin, D. (2014). the Ukraine Crisis and the Resumption of Great-PowerRivalry. *Carnegie Moscow Center*.1- 38.
- The Moscow times. (2014). save Ukraine, at: <http://www.themoscowtimes.com/opinion/article/save-Ukraine/496444.html>, Accessed on: 2016/06/22
- Tereshchenko, M. (2022). Military tension will rise: Russia chides NATO Nordic expansion. <https://www.aljazeera.com/news/2022/5/16/russia-wont-put-up-with-natos-nordic-expansion-minister>
- Tsygankov, A. (2015). Vladimir Putin's last Stand: The Sources of Russia's Ukraine Policy. *Post-Soviet Affairs*,.31, (4)279- 303.
- The 15 Countries with the Highest Military Expenditure in. (2011). *Stockholm International Peace Research Institute*.. Archived from the original (PDF) on January 9, 2013.
- Walt, S. (2015). Why Arming Kiev is a Really, Really Bad Idea. *Foreign Policy*, Available at: <http://foreignpolicy.com/2015/02/09/how-not-to-save-ukraine-arming-kiev-is-a-bad-idea/>, Accessed on: 8-2-218
- Walt, S. M. (1987). *The Origins of Alliances*. Ithaca, NY: Cornell University Press.
- Walt, S. M. (1990). *The Origins of Alliances*. Ithaca, NY: Cornell University Press.

- Walt, S. M. (1985). Alliance Formation and the Balance of World Power. *International Security* 9 (4): 3-43
- Walt, S. M. (1992). Alliances, Threats, and U.S. Grand Strategy: A Reply to Kaufmann and Labs. *Security Studies*, 1 (3)448-482.
- Welch Larson, D., Shevchenko, A. (2010). Status seekers: Chinese and Russian responses to u.s. primacy. *International security*, 34, (4)63- 95.
- Yamawaki, D. (2016). Enrgy Resources, Economy and Sustainability of Russia. *Advanced Leadership Studies*, 50, (13)1- 22.

منابع اینترنتی

- آرین، حسین (۱۳۹۴/۰۸/۰۷)، «بیست ارتش نیرومند جهان»، تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۷
<https://www.radiofarda.com/a/f8-armies/27334375.html>
 خبرگزاری صدا و سیما (۱۳۹۶/۰۳/۱۱)، «مقایسه قدرت نظامی آمریکا و روسیه در یک جنگ احتمالی»، تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸
- <https://www.iribnews.ir/fa/news/1656623>
 خبرآنلاین (۱۳۹۸/۰۹/۲۷)، «عصبانیت ترکیه؛ اردوغان پایگاه‌های آمریکایی را تعطیل می‌کند؟»، تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۳
- <https://www.khabaronline.ir/news/1332444>
 خبرگزاری تسنیم (۲۲ آبان ۱۳۹۷)، «ثروت‌های طبیعی روسیه منهای نفت و گاز»، تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۳
- <https://www.tasnimnews.com/fa/news>
 خبرگزاری تسنیم (۱۱ دی ۱۳۹۷)، «روسیه با ۷۵ تریلیون دلار منابع طبیعی را نمی‌شود تحریم کرد»، تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۳
- <https://www.tasnimnews.com/fa/news>
 دنیای اقتصاد (۱۳۹۷/۰۸/۰۶)، «پیشروی روسیه در هوش مصنوعی، بررسی مرکز پژوهش‌های مجلس از استراتژی «اقتصاد دیجیتال در جهان»، تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸
- <https://donya-e-eqtasad.com>
 دنیای اقتصاد (۱۴۰۰/۰۹/۲۱)، «معرفی قوی‌ترین ارتش جهان»، تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸
- <https://donya-e-eqtasad.com>
 مقدم، فرشته (۱۳۹۶/۰۳/۰۹)، «پایگاه‌های روسیه در حیط خلوت آمریکا»، تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۳
- <https://www.iribnews.ir/fa/news/1652272>
 موذنی، امیر (۱۴۰۰/۰۹/۱۸)، «قدرتمندترین و قوی‌ترین ارتش‌های جهان در سال ۲۰۲۲ از نگاه گلوبال فایرپاور، میلیتاری نیوز»، تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸
- <https://www.militarynews.ir/the-worlds-most-powerful-armies>